

سلفیان تکفیری یا الجهادیون
خاستگاه و اندیشه‌ها

سلفیان تکفیری یا الجهادیون خاستگاه و اندیشه‌ها

سلفیان تکفیری، گروه‌هایی از مسلمانانند که به علت پاره‌ای از اندیشه‌ها، از جانب مخالفانشان به این نام مشهور شده‌اند. خاستگاه نخستین این گروه‌ها مصر است و سپس اندیشه‌های آنان به دیگر کشورهای مسلمان سرایت کرد. پس از الغای خلافت عثمانی و فروپاشی آن در 1924 و وقوع برخی تحولات فرهنگی، سیاسی و اقتصادی در مصر، به تدریج اندیشه تشکیل حکومت اسلامی به عنوان بدیلی برای نهاد خلافت در میان گروه‌های مسلمانی که هویت خود را در معرض نابودی می‌دیدند، مطرح شد. این گروه‌ها که به طور عمده منشعب از نهضت اخوان المسلمین، و ملهم از رویکردهای آن بودند، در دهه شصت، هفتاد و هشتاد میلادی عرصه سیاسی - اجتماعی مصر را زیر تأثیر خود قرار دادند. از مهم‌ترین گروه‌های سلفی جدید می‌توان به تنظیم الفتنه العسكرية، جماعة المسلمین یا جماعة التکفیر و الهجرة، و جماعة الجهاد اشاره کرد. این مقاله می‌کوشد با بیان خاستگاه و اندیشه‌های سلفیان جدید معرفی مهم‌ترین گروه‌ها و رهبران آنها، علت شهره شدن این گروه‌ها به «تکفیری» یا «الجهادیون» را بررسی کند.

مقدمه:

سلفیه، در تاریخ فرهنگ اسلامی لقبی معروف برای کسانی است که عقایدشان را به احمد بن حنبل (241ق) منسوب می‌کرده‌اند. [3] روزگار احمد بن حنبل مصادف بود با شکل‌گیری عصر اول عباسیان (132-232ه) پیدایش حرکت‌های دینی و سیاسی، [4] بالندگی برخی از علوم اسلامی [5] و نهضت علمی ترجمه. [6] اندیشه‌های سلفیه در قرن هفتم، با طرح مسائل کلامی بی‌سابقه از سوی ابن تیمیه [7] (661-728ق) و شاگردش ابن قیم جوزی (691-751ه) و در قرن دوازدهم از سوی محمد بن عبدالوهاب (1111-1206ه) احیا گردید. [8] در قرن هفتم که دولت ممالیک بر سر کار آمد و قاهره را پایتخت خود قرار داد، [9] تعالیم مذاهب حنفی، مالکی، شافعی، حنبلی مورد توجه بود و تصوف و طریقت‌های صوفیانه روی در گسترش داشت. [10] به علاوه حملات مغولان و سقوط بغداد، سبب شده بود تا مرکز اندیشه اسلامی از آن پس به دمشق و قاهره منتقل شود. [11] از میان بحث‌انگیزترین مباحث این دوره که ابن تیمیه به تردید و مجادله در آنها برخاست باید به تردید در اهمیت و احترام بیت المقدس نزد مسلمانان، شناخت خدا از طریق عرفان و تجربه شخصی، و نیز به انتساب مغولان به اسلام و حرمت جهاد با آنان، اشاره کرد. [12] عقاید وهابیت که در قرن دوازدهم در خارج از قلمرو امپراطوری عثمانی، و طی توافقی بین محمد بن سعود و محمد بن عبدالوهاب ظهور کرد، مطابق مذهب حنبلی و افکار ابن تیمیه بود. شناخت خداوند بدون تخطی از حدود قرآن و حدیث، رؤیت خداوند در بهشت، و عدم اعتقاد به عصمت نبی از جمله اعتقادات محمد بن عبدالوهاب بود. [13] تأثیر محمد بن عبدالوهاب در گسترش اندیشه‌های سلفیه به نحوی بود که پیروان وی به پیروی از ابن تیمیه، خود را سلفیه نامیدند. [14]

بدین ترتیب باید پیروان سلفیه، از احمد بن حنبل تا محمد بن عبدالوهاب را مربوط به دوران

سلفیان قدیم دانست و تجزیه امپراطوری عثمانی را آغازی برای پیدایش زمینه‌های شکل‌گیری سلفیان جدید. مهم‌ترین مبانی کلامی سلفیه را می‌توان در تبعیت از فهم و روش صحابه تابعان و محدثان قرن دوم و سوم، مخالفت با تأویل‌های کلامی - فلسفی در باب آیات قرآن و روایات، ایمان تام به ظواهر نصوص - هرچند معنای آنها فهمیده نشود - تقدیم نقل بر عقل، و توسعه مفهوم شرک و کفر خلاصه کرد. مهم‌ترین جنبه اجتماعی این گروه نوعی جزم‌گرایی فرقه‌ای است. به نحوی که فقط پیروان خود را فرقه ناجیه [15] و قوم برحق می‌دانند و دیگر گروه‌های مسلمان را باطل، گمراه و گاهی کافر و مشرک.

سلفیان قدیم و جدید در بسیاری از مواضع نظری مشترکند. اما مهم‌ترین وجه تمایز سلفیان جدید کاربرد خشونت و اعتقاد راسخ به اندیشه «تکفیر» است. این مقاله با دیدگاهی تحلیلی - تاریخی به طور خلاصه به وقایع سیاسی، فرهنگی مصر پس از عثمانیان یعنی از زمان محمد علی تا دهه هشتاد و سپس با تکیه بر منابع دست اول گروه‌های جهادی، به تبیین اندیشه‌های سلفیان جدید می‌پردازد. مقاله حاضر درصدد پاسخ‌گویی به این سوال است که چرا گروه‌هایی از مسلمانان انقلابی به «سلفیان تکفیری» نامور شده‌اند.

سقوط امپراطوری عثمانی و آغاز تحولات مصر

امپراتوری عثمانی [16] پس از شکل‌گیری در اواخر سده 14 میلادی در نواحی مرزی آناتولی، در زمان سلیمان اول (1520-1566م) به اوج قدرت خویش دست یافت. اما پس از آن به سبب آشفتگی اوضاع اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، رفته رفته در سده 17 و 18 رو به ضعف و زوال نهاد؛ [17] شورش‌های مذهبی و اجتماعی و تاسیس برخی حکومت‌های خودمختار محلی و رواج اندیشه‌های نوخواهانه و اجرای پاره‌ای اصلاحات حقوقی، مدنی و سیاسی [18] آغازیدن گرفت. قبول بعضی پیمان‌ها [19] و وقوع جنبش‌های تجزیه‌طلبانه در سده‌های 18 و 19، سبب جدا شدن سرزمین‌های بسیاری از امپراتوری عثمانی شد. [20] کشورهای آفریقایی به علت روابط نزدیک با اروپای جنوبی، دوری از مراکز اسلام، و نفوذ اروپاییان، از نخستین نواحی عربی جدا شده از امپراطوری عثمانی بود. [21] شمال آفریقا یعنی مصر و مغرب عربی (سرزمین‌های غربی مصر تا اقیانوس اطلس، شامل لیبی، تونس، الجزایر و مراکش) به لحاظ سیاسی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این منطقه مهم اسلامی از آغاز اسلام تا زمان خلافت عثمانیان حوادث مهمی را از سر گذرانده است. [22] اسلام از دروازه مصر وارد آفریقا شد و مصر همواره کانون پرورش اندیشمندان مذهبی اهل سنت و حافظ میراث ادبی و فرهنگی اعراب بوده است. [23] حکومت مستقل مصر که توسط محمد علی (1805م) آغاز شده بود تا 1952 ادامه یافت. در این زمان اوضاع آشفته داخلی و خارجی حکومت ملک فاروق، [24] زمینه را برای کودتای نظامیان به رهبری سر لشکر محمد نجیب و سرهنگ جمال عبدالناصر [25] فراهم و ملک فاروق را در ژوئیه 1952 ناچار به استعفا کرد. [26]

در پی اصلاحات نظامی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اداری محمد علی، [27] اندیشه‌های نوینی در مصر پدید آمد و زمینه مساعدی برای فعالیت‌های روشنفکرانه دینی، اجتماعی و سیاسی افراد چون سید جمال الدین اسد آبادی (1839-1897)، محمد عبده (1849-1905)، رشید رضا (1865-1935) سید قطب (1903-1966) و حسن البنا (1906-1948) در واکنش به روند سکولار شدن جامعه مصر در این دوره فراهم شد. [28] احساس از دست رفتن هویت اسلامی جامعه مصر در روند تغییرات اجتماعی- سیاسی، مهم‌ترین انگیزه این اشخاص بود. از میان همه احزاب، انجمن‌ها و نهضت‌های اسلامی این دوره، جماعت اخوان المسلمین که در 1928 تشکیل شده و به تعبیر برخی رهبران آن نهضتی سلفی [29] است، اهمیت فوق العاده

دارد. درباره این احزاب در منابع مختلف به اندازه کافی بحث شده است.[30] اما تکیه اصلی این مقاله بر معرفی رویه گروه‌های است که از «اخوان» جدا شدند و برای احیای هویت اسلامی جامعه مصر به خشونت‌های دینی دامن زدند.

آغاز خشونت‌ها به نام دین در مصر

ظهور گروه‌های سلفی در مصر، که گاهی گروه‌های «رفض» اسلامی[31] خوانده می‌شوند، مربوط اواخر دهه بیست تا دهه هشتاد میلادی است. اهداف عمده این گروه‌ها را، که بعدها در دیگر کشورهای عربی و نیز مناطقی مثل پاکستان و افغانستان هوادارانی پیدا کردند، باید در این موارد خلاصه کرد: اصلاح جوامع مسلمان، احیای عظمت مسلمین، اتحاد سرزمین‌های عربی و بازگشت به خلافت عثمانی از طریق تمسک به قدرت و در مواردی به خشونت.[32] اولین گروهی که از اخوان المسلمین جدا شد و رویه خشونت آمیز اختیار کرد، سازمان «شباب محمد» بود. این سازمان، که به صورت مستقل از نیمه دوم دهه چهل وارد عمل شده بود، نقراشی پاشا را ترور کرد. سپس در همان دهه، گروه‌های دیگری ظهور کردند که همگی متکی بر حربه «تکفیر و جهاد» و پیرو اندیشه‌های اخوان المسلمین بودند. در 1958 نبیل برعی از اعضای اخوان گروه «شباب مسلم» را تشکیل داد. در 1973 «تنظیم الجهاد» را علوی مصطفی، و «تنظیم الفنیة العسكرية» را صالح سَریه بنا نهادند. یحیی هاشم نیز در 1975 سازمانی تأسیس کرد که معتقد به جهاد مسلحانه علیه حکومت بود. سپس «تنظیم التکفیر و الهجرة» به رهبری شکری احمد مصطفی در 1977، و «جماعة الجهاد الاسلامی» به دست محمد عبدالسلام فرج در 1979 ایجاد شد.[33]

پیدایش حرکت‌های اسلامی معاصر با شعار «لا حاکمیه الا لله» در مصر آغاز شد، این شعار که در اندیشه اخوان المسلمین و دیگر گروه‌های دینی، شکل یک اصل اعتقادی استوار به خود گرفته بود، موجب بروز خشونت‌ها و تدریجی‌های شد. نتیجه عملی این شعار آن بود که جماعت‌های دینی، زبان به تفکیر اعضای جامعه گشودند و معتقد شدند با دست یافتن به قدرت در جامعه می‌توانند حاکمیت خداوند را مستقر کنند. گروه صالح سَریه از نخستین جماعت‌هایی بود که این اندیشه را پی گرفت. پس از آن، شکری مصطفی در کنار اندیشه حاکمیت، به طرح ایده جدید «هجرت»[34] پرداخت. هجرت از «دار الحرب» «دار الکفر» به «دار الاسلام»، با هدف کسب آمادگی برای جهاد و دستیابی به قدرت مطرح شد. جماعت اسلامی نیز از گروه‌هایی بود که در امتداد اندیشه‌های صالح به سَریه حرکت می‌کرد و جهاد علیه حکومت کافر را هدف اصلی این سازمان می‌دانست.[35]

شناخت ولو کوتاهی از هر یک از این رهبران می‌تواند ما را به اندیشه‌های سلفیان جدید نزدیک‌تر کند. صالح سَریه در شهر حیفّا، از نواحی فلسطین به دنیا آمد و در 1971 در قاهره در رشته روان شناسی تربیتی دکتری گرفت. وی مدتی را به دلیل همکاری با حزب التحریر الاسلامی در زندان بود. در سال 1973 تنظیم الفنیة العسكرية را تأسیس کرد و در 1975 به اتهام اقدام علیه نظام حکومتی مصر، اعدام شد.[36] شکری مصطفی در یکی از دور افتاده‌ترین نواحی کوهستانی حوالی اسیوط، در منطقه‌ای که محل امنی برای قاچاقچیان اسلحه و مواد مخدر محسوب می‌شد، متولد و در همان جا دوران کودکی و جوانی خود را گذراند. او تحصیلاتش را در رشته کشاورزی ادامه داد و در همین دوران بود که به علت انتشار اعلامیه‌های اخوان المسلمین به زندان افتاد و در 1977 در زندان اقدام به تشکیل گروه کرد. وی در 1978 به اعدام محکوم شد.[37] محمد عبدالسلام فرج در بحیره، حوالی قاهره، متولد و بزرگ شد. او از دانشکده مهندسی برق قاهره فارغ التحصیل شد و به گروه‌های سرس

اسلامی پیوست او با تعدادی از دوستانش در سال 1979 گروه جهاد اسلامی را بنیان نهاد. محمد سالم الرحال اردنی دانشجوی الازهر، کمال سعید حبیب فارغ التحصیل دانشکده اقتصاد، محمد راشد، دانشجوی دانشکده کشاورزی قاهره، نعیم عبدالفتاح، تاجر شهر بولاق، از افرادی بودند که در شکل‌گیری سازمان جهاد اسلامی نقش داشتند. این گروه معتقد بود همه حاکمان جوامع اسلامی کافرند و باید آنها را کشت. آنها پس از ترور انور سادات در 1981/10/6 حدود نه اقدام خشونت بار دیگر، با استفاده از سلاح گرم در قاهره و برخی نواحی آن صورت دادند. [38] از کاوش در احوال رهبران اعضای این گروه‌ها، و توجه به شرایط نابسامان مصر نکات مهمی می‌توان نتیجه گرفت که در پدید آمدن خشونت‌هایی به نام دین موثر بوده است. اول این که این مناطق به علت فقر و کمبود امکانات زندگی، و دوری از مراکز خدماتی، مراکز حاشیه‌ای محسوب می‌شود که محدودیت‌های زیادی را در مسایل تربیتی، فرهنگی و اقتصادی به خود دیده است. دوم غالب رهبران و اعضای اصلی جنبش‌های سلفی را دانشجویان و فارغ التحصیلان رشته‌های فنی مهندسی، و رشته‌های غیر علوم اسلامی تشکیل می‌دادند. نه دانشجویان علوم اسلامی. این وضع در گروه‌های سلفی بعدی و رهبران آن مثل القاعده، بن لادن و ایمن الظواهری نیز دیده می‌شود. بنابراین می‌توان گفت شناخت آنان از اسلام در واقع بیشتر مکانیکی و ظاهری بوده و تمسک آنان به پاره‌ای از آموزه‌های دینی با هدف احراز هویت و به دست آوردن قدرت سیاسی همراه بوده است. نکته سوم، اهمیت نقش زندان‌ها در گسترش جنبش‌های تکفیری و گسترش خشونت‌ها را نباید نادیده گرفت. ترورهای انجام شده توسط بخش زیرزمینی اخوان المسلمین، بازداشت‌های گسترده دوران ناصری [39] و اوج گرفتن خشونت‌های سیاسی و اجتماعی در گروه‌های اسلامی پس از دهه هفتاد، [40] هر یک به تنهایی کافی بود تا چندین هزار نفر از متهمان سیاسی را روانه زندان کند در حقیقت زندان محل مناسبی برای آشنایی و تبادل نظر رهبران و گروه‌ها با یکدیگر، و مکانی برای تشکیل گروه‌های سر سخت‌تر، به منظور غلبه بر نظام حاکم محسوب می‌شد.

تصمیمات و برنامه‌های سیاسی اقتصادی دولت در دهه هفتاد نیز نقش بسیار قابل توجهی در دامن زدن به ناراضی‌ها و ایجاد خشونت دینی داشت. علاوه بر پیامدهای جنگ 1967، سیاست درهای باز اقتصاد در 1974، و صلح با اسرائیل در 1979 از جمله این تصمیم هاست. شرایط نامطلوب اقتصادی حاصل از سیاست درهای باز، با شکست مصر در جنگ و خامت بیشتری پیدا کرد. سرانجام پس از صلح مصر با اسرائیل، مبارزه سازمان یافته با نظام، از جانب گروه‌های اسلامی گرای سلفی، شکل یک تکلیف واجب دینی به خود گرفت. [41]

اصول اعتقادی سلفیان جدید

تحلیل اصول اعتقادی سلفیان جدید، در اینجا بر اساس میثاق نامه‌های این گروه‌ها در دهه 70 و 80 میلادی است. این میثاق نامه‌ها که از جانب رهبران و برای تبیین خط مشی سیاسی، عقیدتی گروه‌ها صادر می‌شدند به همراه دفاعیه‌های اعضای گروه‌های مذکور در دادگاه‌های نظامی مصر، در مجموعه‌ای دوجلدی با عنوان النبی المسلح گرد آوری شده است. [42] جلد اول با عنوان فرعی الرافضون، با مقدمه‌ای کوتاه و تحلیلی درباره علل شکل‌گیری اندیشه تکفیر و خشونت دینی، از سید احمد رفعت آغاز می‌شود. پس از آن، متن اصلی میثاق‌نامه‌های سری گروه‌های اسلامی دهه هفتاد، بدون هیچ گونه تحلیل ارائه شده است. در جلد دوم با عنوان فرعی الثائرون، پس از تحلیل مفهوم «اسلام اعتراضی» میثاق‌نامه‌های اصلی سلفیان دهه هشتاد، به همراه دفاعیه‌های آنان در دادگاه‌های نظامی مصر، ارائه شده است. این کتاب، مهم‌ترین مرجع موثق درباره مبانی و اندیشه‌های گروه‌های اسلامی است که از طریق آنها

می‌توان به تبیین اهداف، علل ظهور و انتشار این نهضت‌ها در دهه‌های اخیر و تأثیرات آن بر حیات سیاسی اجتماعی مصر و دیگر کشورهای عربی و اسلامی پی برد.

در این قسمت، به بیان مهم‌ترین آراء و نظریات سلفیان جدید ذیل پنج ویژگی بارز آنان می‌پردازیم تا معلوم شود، چرا جماعت‌های سلفی جدید، به سلفیان تکفیری مشهور شده‌اند.

1. تبعیت از سلف صالح: سلفیان قدیم، خود را مقید به تبعیت از سلف صالح می‌دانستند، و سلف صالح در نظر ایشان، محدود به صحابه و تابعین، یا پیروان ایشان می‌شد. درحالی که سلفیان جدید، مرز زمانی و عقیدتی صحابه و تابعین را شکسته و افکار خود را بیشتر به افکار آرای ابن حنبل و ابن تیمیه مستند ساخته‌اند. اعاده خلافت اسلامی از پیامدهای اعتقاد به اندیشه پیروی از سلف است. خلافت از نظر ایشان موجب حراست از دین و دنیا می‌شود و این امر با اصل "الإنقلابیة" تحقق یافتنی است. این اصل به معنای طرد کامل جوامع جاهلی است. به موجب اصل الإنقلابیة، که به معنای ایجاد تغییر در عرصه‌های مختلف زندگی است، همه سازمان‌ها و جوامع ملی و بین‌المللی امروزی به دلیل اتخاذ مبانی غیر اسلامی در حوزه‌های اعتقادی، اخلاقی و تشریعی، جاهلی به شمار آمده شایسته است طرد تلقی می‌شوند. [43] کمال السعید حبیب، از رهبران الجهاد، در میثاق‌نامه «الاحیاء الاسلامی»، تاریخ اسلام را از جهت وابستگی جامعه به اسلام و بهره‌گیری نظام حاکم از دستورات الهی، به چهار مرحله تقسیم می‌کند. [44] وی در این تقسیم بندی، جامعه دوره خلفای راشیدن را به عنوان مرحله اول و نمود کاملی از نظام زنده اسلامی می‌داند. در مرحله دوم، نخستین گسست‌ها بین جامعه و روش اسلام بروز کرد و رهبری سیاسی از رهبری فکری جدا شد و تحول حقیقی جامعه به سوی جاهلیت، که همان تبدیل خلافت به سلطنت بود آغاز شد. در مرحله سوم، که پس از سقوط خلافت عثمانی آغاز می‌شود، جامعه به کلی از روش و اندیشه اسلامی فاصله گرفت؛ و دوره‌ای که ما اکنون در آن زندگی می‌کنیم، مرحله چهارم تاریخ اسلام است که گروه‌هایی از مردم فریاد بازگشت به جامعه اسلامی را سر می‌دهند. [45] وی می‌گوید: «ما خواهان بازگشت به بهترین مرحله تاریخ هستیم، روزگار هماهنگی بین جامعه و اسلام، دوره تلاش برای نجات عالم از اندیشه‌های جهل و جاهلیت ما باید به اسلام خالصی که بشریت چهارده قرن پیش در آن می‌زیست، باز گردیم». [46] بنابراین، بازگشت به اسلام زمان پیامبر و صحابه و تبعیت کردن از ایشان در همه شئون زندگی، تنها راه احیای اسلام تلقی می‌شود. در سخن از جامعیت و شمول اصل «پیروی از سلف» در اندیشه سلفیه، گفتنی است که ایشان بر این نظرند که با اجرای شیوه‌های آموزشی و اعمال اسلوب‌های نظامی و قضایی دوران سلف در عصر حاضر، می‌توان اسلام را احیا کرد. در ادامه مقاله به مواردی از این دست به صراحت اشاره خواهد شد.

صالح سریه در مقدمه رساله الایمان، [47] کاربرد روش‌های عقلانی و فلسفی در فهم کتاب و سنت و گسرتش فرق و مذاهب سیاسی پس از عصر خلفای راشدین را نتیجه دور شدن از مسیر سلف در فهم کتاب و سنت، و اختلاف دانشمندان در مسائل اعتقادی می‌داند، اختلافاتی که بیشتر حول محور صفات خدا و تأویل آنها، مسأله قضا و قدر، قضیه خلق قرآن و مرتکب گناه کبیره رخ داد. [48] صالح سریه حتی در مسائل تفسیر و علوم قرآن نیز معتقد به پیروی از سلف است. او توصیه می‌کند که بین انسان و قرآن نباید هیچ «مانعی» باشد بلکه بساطت و سادگی قرآن، وجود هر گونه تفسیری را نفی می‌کند. [49] وی تفاسیر فقها و صوفیه را نمی‌پذیرد، چه بر این باور است که ایشان اسرار و رموزی را برای آیات قرآن بیان می‌کنند که با ظاهر آنها تناسب ندارد. وی تفسیری را می‌پذیرد که مبتنی بر زبان عربی ساده، احادیث نبوی یا منطبق بر فهم

عصر اول باشد. [50] وی معتقد است: «در تفسیر حقیقی قرآن باید به تنفیذات و فهم عصر اول به دلیل دسترسی آنان به نقل صحیح اعتماد کنیم و برای این منظور تفسیر ابن کثیر بهترین تفسیر است.» [51]

در اندیشه شکری مصطفی، دیگر رهبر سلفی، تبعیت از سلف صالح منحصر به امور اعتقادی نیست بلکه در امور نظامی هم باید تابع سلف صالح بود. وی با تکیه بر تعدادی از احادیث منقول از پیامبر، که معنای ظاهری آن حاکی از کاربرد شمشیر در جنگ بین مومنان و کفار است. و با کنایه زدن به ابزارهای جدید جنگی سعی دارد اثبات کند که بنابر سخن پیامبر مؤمنان باید در جنگ‌ها از ابزارهای ابتدایی استفاده کنند. به نظر می‌رسد روش ظاهر گرایی در فهم متون و تبعیت محض از سلف صالح باعث شده تا شکری از وجود بعضی کلمات نظیر «الخیل، إرموا و إركبوا، رباط الخیل، السهم، الصف، السیف، النبل» در متون اسلامی، چنین برداشتی داشته باشد. [52] درواقع شکری از یک طرف تصور کرده که چون در جنگ‌های الکترونیکی و پیشرفته امروزی جایی برای اسب و تیر و شمشیر و صف بستن نیست، و از آنجا که زبان عربی و توانایی پیامبر در سخنوری، این امکان را ایجاد می‌کرد که پیامبر کلمه عربی «اسلحه» را جایگزین این کلمات کند، پس می‌توان نتیجه گرفت که مراد این متون از جنگ، همان جنگ‌ها به سبک قدیم است. [53] او حدیثی از پیامبر نقل می‌کند که: «نظام جنگی دو لشکر همانند نظام قدیم، یعنی "نظام صف" خواهد بود. لشکرها مقابل یکدیگر صف می‌بندند آن چنان که برای نماز مرتب می‌شوند». پس از آن تأکید می‌کند که نظام صفی، مناسب جنگ‌ها و سلاح‌های جدید نیست. [54]

محمد عبدالسلام فرج، رهبر جماعة الجهاد، رساله الفریضة الغائبة را براساس فتاوی ابن تیمیه (728هـ)، و تفسیر ابن کثیر (744هـ) نگاشت. فرج در این رساله با تکیه بر احادیث منسوب به پیامبر اکرم و غالباً روایاتی منقول از ابوهریره و ابن عباس، و گاهی با استناد به آرای کلامی ائمه چهارگانه اهل سنت سعی می‌کند پای بندی خود را به اسلافش نشان دهد. فرج مهم‌ترین سخنانش را در ذیل موضوعاتی مثل «دارالکفر و دارالاسلام، ارتداد حاکمان عصر، مقایسه بین حاکمان مغول و حاکمان عصر، حکم کمک به افراد مرتد، حکم مسلمان فراری از لشکر تاتار، احکام جنگ با مغولان، مجازات ترک جهاد و شبهات فقهی درباره جهاد با مغولان» مطرح کرده است. [55] محور سخن در همه مباحث فوق «کفر و جهاد با کفار» است. عبدالسلام فرج با تکیه بر آرای ابن تیمیه و ابن کثیر، مقایسه‌ای بین مغولان و حاکمان عصرش انجام می‌دهد. وی معتقد است مغولان، علی‌رغم اقرار به اسلام و شهادتین، از اجرای احکام الهی سر باز می‌زدند، به مسلمانان و سرزمین‌های اسلامی هجوم می‌بردند، و رهبران‌شان و حامیان آنها افرادی منافق، زندق و بدعت گذار بودند. به نظر فرج هر کس از اوامر جاهلانه و سنت‌های کافران مغولان پیروی کند، از دوستان آنها خواهد بود، اگر چه مسلمان باشد. وی پس از وصف مغولان می‌گوید: آیا این صفات همان صفات حاکمان امروز و حامیان و اطرافیانشان نیست؟ [56]

2. تمسک به ظواهر نصوص قرآن و سنت. از مهم‌ترین مبانی عقیدتی سلفیان قدیم، پیروی از ظاهر نصوص قرآن و سنت و مخالفت با تأویل و تفسیر بود. سلفیان جدید نیز با تکیه بر معنای ظاهری متون دینی و فارغ از هر گونه تفسیر و تأویلی به توجیه فعالیت‌ها، احکام شرعی و تکالیف خود می‌پردازند. آنان در روش بیان خود با بکارگیری فراوان آیات قرآن و بدون توجه به ارتباط منطقی آیات محکم یا متشابه بودن آنها یا شأن نزول خاص هر آیه، در ترسیم چهره واقعی اسلام، چنان که خود می‌پندارند، می‌کوشند. برای اثبات این ادعا به گزارش نمونه‌ای در

اندیشه‌های هر یک از رهبران گروه بسنده می‌کنیم. صالح سریه معتقد است یکی از عواملی که سبب تعمق و ژرف نگری در مسائل دینی شد، روش‌های عقلی بود. روش‌های عقلی در فهم کتاب و سنت فقط بعد از ورود فلسفه یونانی، هندی و فارسی به زبان عربی، باب شد؛ در حالی که صحابه مطالب و مسائل دینی را با ایمان و تسلیم و بدون تعمق و تحقیق می‌پذیرفتند. [57] وی ملائکه، شیاطین و جن را متعلق به عالم غیب می‌داند که دانش انسان، افزون‌تر از آنچه در کتاب و سنت وجود دارد بدانها نمی‌رسد بحث کردن از این مطالب خارج از حیطه کتاب و سنت، باطل و بی‌فایده و بدعتی شایسته مبارزه است. [58] از نظر صالح سریه، یکی از مشکلاتی که پس از قرن سوم تا زمان حال گریبان گیر علمای اسلام شده، غفلت از سخنان رسول الله و اعتماد به رأی رجال دین است. [59] او آثار فقها، اصولیان، مفسران و صوفیان را مملو از احادیث موضوعی (جعلی) می‌داند و راهی که برای خروج علوم اسلامی از این انحطاط پیش پا می‌نهد، فقط بازگشت به احادیث پیامبر (ص) است: [60] «نمی‌توان به اسلام حقیقی بازگشت مگر با رجوع به قرآن و حدیث نبوی. کتاب و سنت به شعاری بی‌معنا تبدیل شده است؛ زیرا افرادی که این اشعار را می‌شناسند کاملاً از سنت غفلت کرده‌اند. ما ناچاریم کتاب و سنت را در کنار هم مطالعه کنیم و سیره را به عنوان الگو آموزش دهیم.» [61]

شکری مصطفی، رهبر جماعة التکفیر و الهجرة، در «ميثاق‌نامه خلافت» [62] معنای «حق و باطل» را چنین تبیین می‌کند: خدای تعالی برای نصرت دینش، صراط مستقیم را قرار داد و تقدیری بهتر از این نبود. خداوند همه اشیا را به حق آفرید و هر دستوری که داد نیز بر حق بود. او در هیچ کار باطلی وارد نشد و هیچ یک از فرمان‌های او بیهوده نیست. شکری سپس برای تأیید سخنانش آیات زیر را می‌آورد: [63] «و ما خلقنا السماء و الارض و ما بینهما باطلا ذلک ظن الذین کفروا فویل للذین کفروا من النار»، [64] «ما خلقنا هما إلا بالحق و لکن اکثرهم لا یعلمون»؛ [65] «هذا تأویل رؤیای من قبل قد جعلها ربی حقاً»؛ [66] «ان وعد الله حق»؛ [67] «كذلك حقت کلمت ربك علی الذین فسقوا أنهم لا یؤمنون». [68] شکری در ادامه بحث «حق و باطل»، با بیان معانی لغوی، اصطلاحی، قدری و تکلیفی «حق»، به سخن گفتن از تلاوت قرآن می‌پردازد. [69] تلاوت قرآن از نظر او امری است به حق و برای حق، زیرا شنونده را از شرایط و وقایع آینده مطلع می‌کند. تلاوتی که شنونده را از آینده آگاه نکند بی‌فایده است. شکری با اعتقاد به وعده‌های الهی درباره نصرت مؤمنان و غلبه نظامی بر کافران به وسیله ابتدایی‌ترین ابزارهای جنگی، هرگونه تأویلی در این زمینه را رد می‌کند. او وجود سلاح‌های جدید را به دید انکار می‌نگرد و با تکیه بر روایاتی منقول از پیامبر، از نبرد بزرگی بین مؤمنان و کافران در آخر الزمان خبر می‌دهد و معتقد است این نبرد نیز با ابزارهای جنگی زمان پیامبر اتفاق می‌افتد. او با تفسیر شمشیر و سنگ، به بمب و توپ نظامی، مخالف است و بر خلاف دیگران دجال را نماد شر، عیسی را نماد خیر، و یاجوج و ماجوج را نماد قحط نمی‌داند. وی می‌گوید نباید اسب‌هایی را که پیامبر حتی از رنگشان در آخر الزمان خبر داده، با تانک تعبیر کرد [70] شکری با تمسک به معنای لفظ «امی» در آیه «هو الذی بعث فی الامیین رسولا...» [71] می‌گوید: «پیامبری «امی»، پیشاپیش این امت قرار دارد، بهترین امتی که برگزیده شده تا قرآن کریم را بیان کند. کسانی که می‌خواهند لفظ «الأمیة» را به غیر از معنای ظاهری آن تأویل کنند، بدانند که ما امت «امی» هستیم؛ نه نوشتن می‌دانیم و نه حساب کردن. معنای لفظ «الأمیة» در کتاب‌های لغت، ناتوانی از نوشتن و حساب است، چنان که در القاموس المحيط بیان شده: «امی» کسی است که نمی‌نویسد یا از روز تولد نوشتن نیاموخته و

هم چنان بر همین حال باقی مانده است.» [72]

3. تأکید بر نقل و مخالفت با علم و دانش جدید. سلفیان برای عقل و تفسیر عقلی به معنای جامع کلمه، شامل همه دانش‌های جدید، اهمیتی قائل نیستند و به لحاظ روشی منقولات دینی و احکام شرعی را بر داده‌های علمی و عقلی مقدم می‌دارند. در نظر آنان علم و عقل هنگامی مفیدند که در جهت شرع باشند. به عبارت دیگر، علوم مختلف باید انسان را برای آخرت و انجام امور معنوی آماده کند. در این دیدگاه، دانش‌های عقلی بشری «فتنه» اند، زیرا انسان را از خداوند بی نیاز می‌کنند؛ قبل از هر چیز، عبادت و پرستش خداوند اهمیت دارد و پس از آن تعلم و تعقل در حد ضرورت.

حاصل کاوش در نظرات و آراء صالح سریه، چیزی جز تثبیت و تقویت مبانی فوق نیست. وی با تأکید بر این که یکی از اصول اسلام، ایمان به تقدیر است (یعنی هر خیر و شری که به انسان می‌رسد به خواست خداوند است)، می‌گوید: پس از قرون سه گانه نخست، اعتقادات مسلمان به سمت بحث‌های فلسفی درباره جبر و اختیار کشیده شد ولی ما این جدل بیزانسی یا عقل یونانی را که مسلمان را به فرق مختلف تقسیم کرد نمی‌پذیریم، چرا که انسان در هر دو حالت جبر و اختیار باید دستورات الهی را اجرا کند. [73] در پرتو همین مبنا، معیار درست در تفسیر قرآن و چگونگی ایمان به آخرت نیز توصیف می‌شود: "تفسیر حقیقی قرآن این است که کلمات متشابه یا آیاتی را که دارای موضوع واحدند. گرد آورده‌ایم، یعنی تفسیر قرآن با قرآن." [74] صالح سریه در هیچ یک از مسائل معرفتی و دینی، جایگاهی برای تعقل و اندیشه منطقی قائل نیست: «مراد از ایمان به آخرت، قانع سازی منطقی نیست، زیرا قانع سازی منطقی، و استدلال علمی ایمان نامیده نمی‌شود و صاحبش را از کفر خارج نمی‌کند. ایمان به آخرت یعنی یقین کردن به حقیقت بهشت و جهنم.» [75]

شکری مصطفی نیز به تقدم نقل بر عقل، پای بند است. شکری از علم، تعبیر به «فتنه» می‌کند و علم را سبب سرکشی و طغیان و بی‌نیازی بشر معرفی می‌کند. شکری تفسیر سوره علق را که اولین بار بر پیامبر نازل شد، ناظر و بیانگر سیر شکل گیری این فتنه می‌داند. از دیدگاه وی، خداوند در این سوره با نام خویش «اقرا باسم ربک» بندگان را به یادگیری چیزهایی که منجر به عبادتش شود فرا می‌خواند «علم الانسان مالم يعلم» ولی بندگان به واسطه فتنه علم، از عبادت و پیمودن مسیر حق منحرف شدند: «کلا إن الانسان لیطغی أن رءاه استغنی» [76] او تصریح می‌کند علمی که خداوند برای بشر قرار داده تا طغیان نکند و دانشی که پیامبر بر هر مسلمانی واجب کرده همانا دانش آخرت است و مقصودش عبادت پروردگار. [77] شکری مصطفی با تأکید بر سیره پیامبر، پرداختن به هر گونه دانشی را نافع نمی‌داند و مسلمانان را فقط به بندگی و عبادت الهی فرا می‌خواند. او علم آموزی را به نحوی می‌پذیرد که قطعاً به سود آخرت باشد: «محمد و اصحابش که شب‌ها را به عبادت و روزها را به تلاش در راه خدا می‌گذراندند، آیا نمی‌توانستند به دانش طبیعیات و ریاضیات، کاوش در فضا و یا ساختن تمدن جدید بپردازند.» [78] «من معتقدم مسلمانان در درجه اول، قبل و بعد از هر چیز، بندگان خدا هستند. علم و دانش اندوزی نزد مسلمانان برای نفس علم نیست بلکه آنان از این طریق خودشان را برای آخرت آماده می‌کنند نه دنیا. اینان به قدر ضرورت می‌آموزند، چرا که یادگیری بیش از ضرورت، برای غیر خدا خواهد بود.» [79]

شکری مصطفی در «میثاق‌نامه خلافت»، جایی که خبر از پیروزی‌های نظامی آینده مسلمانان می‌دهد، حدیثی را از پیامبر نقل می‌کند. مفهوم حدیث این است که "جنگی بین مسلمانان و رومیان روی می‌دهد که سه شبانه روز به طول می‌انجامد و هیچ یک از طرفین، غالب

نمی‌شوند تا این که در روز چهارم، نصیب مسلمانان می‌شود» [80] آنگاه شکر با شمع می‌گوید: «وسایل برقی و سلاح‌های جدیدی که شب و روز را تشخیص نمی‌دهند، کجایند؟ خودروهای جنگی، دستگاه‌های الکترونیکی، و ابزارهای خبر رسانی و اطلاعاتی کجایند؟» [81] عبدالسلام فرج نظر برخی را که معتقدند طلب علم هم نوعی جهاد است، نمی‌پذیرد و تنها امر واجب را «جهاد و قتال» می‌داند. او از علم به «اقل السنن و المستحبات» تعبیر می‌کند و تقابل علم و جهاد را تقابل واجب عینی و «واجب کفایی» می‌داند. [82] وی مجاهدین غیر دانشمند بسیاری را که از زمان پیامبر تاکنون سب عزت و نصر اسلام شده‌اند، بر دانشمندان الازهر برتری می‌دهد؛ چرا که بر این نظر است که هنگام هجوم ناپلئون به مصر، دانش علمای الازهر سودی نبخشید، پس برنده‌ترین سلاح برای رویارویی و مقابله با کفار، جهاد است نه علم. وی در صدد تحقیر قدر و ارزش علم و علما نیست بلکه نظرش این است که نباید فرایض الهی را با پرداختن به اموری مثل طلب علم، ترک کرد. فرج سخنش را با آیه چهاردهم سوره توبه [83] به پایان می‌برد. [84]

4. توسعه معنایی و مصداقی شرک و کفر. مهم‌ترین و موثرترین مبنای کلامی سلفیان جدید، توسعه معنایی و مصداقی کفر است. آنها، به قدری دایره کفر را گسترده‌اند که هر کسی غیر از خودشان را در بر می‌گیرد. اینان انجام هر امری را که مانع عبادت الهی باشد، کفر قلمداد می‌کنند حتی اگر این امر، پیشرفت در زمینه‌های مختلف علمی، نظامی، فرهنگی، اقتصادی و یا برخورداری از نعمت‌های مادی باشد. تفکر سلفی با الهام از شرایط و امکانات زندگی زمان پیامبر، معتقد است مسلمانان امروز نیز باید به همان شیوه و در سطح امکانات عهد رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) زندگی کنند، چه بیشتر از آن اندازه کفر است. شرک و کفر نزد سلفیان قدیم، بیشتر گونه‌ای از عبادات و عقاید فردی بود، مثل توسل به اولیا، نذر، شفاعت، زیارت قبور، ولی شرک و کفری که سلفیان جدید به آن معتقدند و از آن به «کفر جدید» تعبیر می‌کنند، تقریباً همه شؤون زندگی اجتماعی و مدنی شخص را در بر می‌گیرد. در نظر سلفیان جدید پیروی از اندیشه‌های نو یا گرویدن به مکاتب فکری و فلسفی، [85] عضویت در احزاب سیاسی، [86] اشتغال در ادارات و سازمان‌های دولتی چنانچه در جهت اهداف و منافع گروه‌های سلفی نباشد، [87] و انجام برخی از مراسم و آیین‌های مذهبی و دیپلماتیک، [88] از اعمال مشرکان و کافران به حساب می‌آید. سلفیه، همه دولت‌های اسلامی از جمله دولت مصر را کافر می‌داند [89] و هرگونه حمایت از دولت یا همکاری با آن [90] و حتی اجرای قوانین دولتی [91] را ممنوع کرده است. در واقع اندیشه‌ها و آرای سلفیان، این نکته را تصدیق می‌کند که حربه تکفیر، جوازی است برای انجام هرگونه عملیات جهادی. گفتنی است کفری که سلفیه دیگران را به آن متهم می‌کند، کفر اکبر است. شرک یا کفر اکبر، حکمی است که به موجب آن، فرد متهم، از دین اسلام خارج می‌شود و اصطلاحاً «مرتد» نام می‌گیرد. این حکم تبعات سنگین‌تری غیر از خروج از اسلام دارد که آنها را از رساله‌الایمان صالح سریه نقل می‌کنیم: «ریختن خون فرد کافر حلال است؛ همسرش به وی حرام می‌شود؛ پس از مرگ نباید بر او نماز خواند و در گورستان مسلمانان دفن کرد. چنین شخصی نه تنها از اموال برجای مانده از دیگران ارث نمی‌برد بلکه حق دخالت در اموال خویش را هم ندارد. [92] وی در مقدمه رساله‌الایمان از اجماع صحابه بر کفر و ارتداد تارکان زکات خبر می‌دهد. [93] شبیه همین احکام را محمد عبدالسلام فرج در رساله الفریضة الغائبة، درباره حاکمان اسلامی زمانش بیان می‌کند. آرای سریه در بحث از کفر، بسیار قابل تأمل و در خور توجه است وی رساله‌اش را نخستین رساله علمی در تشخیص کفر جدید معرفی می‌کند و قائل است که پژوهش در کفر

جدید مهم‌تر از پژوهش در اعتقادات گذشته است؛ زیرا این کفر گروهی، خطر بزرگی برای مسلمانان محسوب می‌شود. [94] وی همه سازمان‌ها و کشورهای اسلامی را به سبب اتخاذ روش‌ها و قوانینی غیر از قوانین کتاب و سنت، کافر تلقی می‌کند و این کفر جدید را شدیدتر از کفر مشرکان عصر جاهلیت می‌پندارند؛ زیرا مشرکان عصر جاهلیت برای نزدیک شدن به خدا بت پرستی می‌کردند [95] ولی کافران دوره اخیر، خدایان دیگری را به جای «الله» برگزیده‌اند. [96] صالح سریه سعی می‌کند با ارائه دلایلی از کتاب و سنت، ثابت کند که حکومت‌های همه کشورهای اسلامی، حکومت‌های کافر و جوامع اسلامی نیز، جوامعی جاهلی‌اند. برخی از آیات، که وی آنها را شاهد بر اثبات کفر حکومت‌های اسلامی می‌گیرد از این قرار است: [97] «فلا و ربک لایؤمنون حتی یحکموک فیما شجر بینهم ثم لایجدوا فی أنفسهم حرجا مما قضیت و یسلموا تسلیمًا»؛ [98] «ما کان لمومن و لا مومنه اذا قضی الله و رسوله أمرا أن یکون لهم الخیرة من أمرهم و من یعص الله و رسوله فقد ضلّ ضلّالا مبینا»؛ [99] «و من لم یحکم بما أنزل الله فأولئک هم الکافرون» [100] «و من لم یحکم بما أنزل الله فأولئک هم الفاسقون» [102] سریه سپس با توجه به سیاق و مفهوم ظاهری آیات، مطلوب خویش را از مرتبط کردن آنها به یکدیگر چنین استنباط می‌کند: «ظلم و فسق در زبان قرآن، بر کفر و شرک و نفاق دلالت می‌کند». به نوشته سریه، برخی آیه 65 سوره نساء را به این دلیل که در حق یهودیان نازل شده، بر مسلمین منطبق نمی‌دانند و معتقدند از استدلال بر این آیه نمی‌توان کفر حکومت اسلامی را ثابت کرد. اما از نظر سریه چنین عقیده‌ای برابر است با متهم کردن رسول الله به این که سخنانی می‌گوید که خود بدان عمل نمی‌کند. ظاهر مراد سریه این است که اگر این آیه در خطاب به نامسلمانان نازل شده، چرا پیامبر باید به همین آیه مسلمین را مخاطب قرار دهد و آنها را به عمل به آیات کتاب الهی فرا بخواند. آیا پیامبر به یهود می‌گوید که اگر به آیات الهی حکم نکنید، کافرید؟ [103] وی حضور مشترک مردان و زنان در اماکن عمومی آشکارا دشنام دادن به خدا و دین، ترک علنی فرائض اسلام، وجود شراب و قمار و زنا، گسترش دروغ و فساد و حيله‌گری را نشانه جاهلیت این جوامع بر می‌شمارد. از نظر صالح سریه، اشخاص با انجام فعالیت‌های زیر مستحق صفت کافرند:

1. عضویت در احزاب، انجمن‌ها و گروه‌های ایدئولوژیک مثل احزاب کمونیستی، حزب سوسیالیستی بعث عرب، حزب ناسیونالیست سوریه و اتحادیه سوسیالیستی اعراب؛ عضویت در انجمن‌های فراماسونری؛ برگزیدن اندیشه‌ها و عقاید مخالف اسلام مثل مکتب ماتریالیسم، اگزیستانسیالیسم یا پراگماتیسم؛ تبعیت از مکاتب سیاسی نظیر دموکراسی، کاپتالیسم، سوسیالیسم، ملیت گرایی و قومیت گرایی. [104]
2. هرگونه تأیید و حمایت از دولت و احزاب کافر. [105]
3. هرگونه مشارکت در آماده کردن و اجرای قوانین دولتی. این بند همه اعضای کمیته مشاوران، نمایندگان مجلس، هیئت دولت، رئیس جمهور، قاضیان، نیروهای تحقیقاتی، نیروهای امنیتی و خود مردم را که به اجرای قوانین کمک می‌کنند، شامل می‌شود. [106]
4. مخالفت کردن با احکام اسلام به بهانه عقب ماندگی و تحجر. هرگونه انتقاد از احکام اسلام و حدود شرعی به اسم تحجر و عقب ماندگی، اعتراض به خدای سبحان و کفر صریح است. مراد از این کفر، کفری است که احکام و تبعات ویژه‌ای در پی دارد؛ از آن جمله، کسانی که ریش گذاشتن را مایه عقب ماندگی و کوتاه کردن آن را موجب پیشرفت می‌دانند، کافرند. [107]
5. افتخار و مباهات به پیشینه فرهنگی کفر و جاهلیت، مثل اعتقاد به اصول ملیت گرایی یا

قومیت گرایی، مصریان ملی گرا که میراث فراعنه را زنده می‌کنند و آن را بر ارزش‌های اسلامی ترجیح می‌دهند و قوم گرایانی که از فرهنگ جاهلی اعراب پیروی می‌کنند؛ کافر به حساب می‌آیند. [108]

6. محدود کردن دین در اموری عبادی مثل نماز، روزه، زکات و حج و غفلت از جوانب اقتصادی، سیاسی و اجتماعی دین. [109]

7. دشنام دادن به خدا، دین و پیامبران. [110]

8. ترک هر یک از ارکان اسلام به شکل فردی یا جمعی. وی در این مورد، از اصطلاح «کفر گروهی» برای ترک گروهی ارکان اسلام استفاده می‌کند، و اجماع صحابه بر تکفیر مانعین زکات را دلیلی بر صحت سخن خود می‌گیرد. با توجه به این بند، ترک کنندگان زکات با این که فقط یک رکن از اسلام را ترک کرده بودند و به صورت گروهی کافر شدند. [111]

9. انکار عقاید دین، نظیر نبوت پیامبر، تقدیر، وجود ملائکه، جن و... [112]

صالح سریه در ادامه اقسام کفر، از برخی آیین‌های رسمی جامعه و آداب دیپلماتیک کشورها سخن می‌گوید. وی بر آیین «سلام نظامی به پرچم»، که برخی از اوقات توسط نظامیان، دانش آموزان و گروه‌های ورزشی انجام می‌شود، خرده می‌گیرد و آن را یکی از آیین‌های جدید شرک می‌داند. او هم چنین «سلام فرماندهان» یا اصطلاحاً «سان دیدن از لشکر»، و یا دیدار سران کشورها از آرامگاه رهبران دیگر کشورها را از انواع مختلف شرک قلمداد می‌کند. [113] سریه در این مساله، قواعدی را برای «تکفیر» مردم به کار می‌بندد. قاعده اول: ایمان به خدا مقتضی پذیرش نظام و شرایع الهی است. حال اگر بشر از اجرای برنامه الهی که خداوند برای او مقرر کرده سر باز زند و در صدد قانونگذاری (تشریع) و ترسیم برنامه جدیدی برای زندگی باشد، کافر می‌شود. [114] قاعده دوم: اسلام دین کاملی است و کسی که بخشی از آن را بپذیرد و بخش دیگری را رها کند، کافر است. قاعده سوم: ایمان شامل سه رکن است: اقرار قلبی، اقرار زبانی، التزام عملی؛ با از بین رفتن هر یک از ارکان، می‌توان اشخاص را به کفر محکوم کرد. [115]

شکری مصطفی وضعیت جهان را نابسمان، فاسد، کفر آلود [116] و رو به زوال وصف می‌کند: «واقعیت مسلم آن است که امروزه «اهل زمین» به سبب فساد، نافرمانی و «کفر به خدا» به پایشان نزدیک می‌شوند... اکنون «بشریت» به اوج قله‌های فساد رسیده و از شیوه‌ها و مسلک‌های آن آگاه است. امروز کفر، گسترده و ماندگار شده و مطمئناً افکار و روش‌های انحرافی، در «محیط کفر» بارور شده است. روزگاری که حرکت کفر آهسته و برنامه‌هایش پریشان بود گذشت؛ کفر این دوره به رهبری یهود، پرشتاب، پیوسته و منظم‌تر در حال گسترش است.» [117]

شکری به مخالفانش اعتراض می‌کند که چرا شما کفر را فرهنگ می‌شمردید و عبادت را جهل. عبادت از نظر ما یعنی نماز و زکات و قربانی، و فرهنگ در نزد ما پرستش خداوند است و بس. [118] وی معتقد است که پیشرفت بزرگ‌تر از ایمان به وحدانیت خدا و عبادت او وجود ندارد، [119] نفاق و منافق در نظر او برابر است با کفر. شکری معتقد است که پس از انقطاع وحی، دیگر نمی‌توان کسی را به نفاق محکوم کرد بلکه افراد در نظر ما یا کافرنده یا مسلمان. [120] سلفیان از جمله شکری معتقدند که کافران افرادی متنعم و برخوردار از نعمت‌های مادی هستند به همین دلیل است که سلفیان معمولاً مظاهر مادی دنیا را نفی کرده و بیشتر به نوعی اخلاق زاهدانه متمایل شده‌اند، و هرگونه بهره‌مندی از دنیا را کفر تلقی می‌کنند. شکری بر پایه همین مبنا مسلمانان را چنین وصف می‌کند: «این امت امت مردان

است نه امت زینت و پوشاک و کشاورزی و دامداری وی در لابلای سخنش از این دست آیات استفاده می‌کند که خداوند فرمود: «زین للذین کفروا الحیوة الدنیا و یسخرن من الذین امنوا والذین اتقوا فوقهم یوم القیامة».[121]

عبدالسلام فرج نیز آرای تکفیری مهمی، درباره حاکمان امروز دنیا دارد. وی احکام و قوانین جوامع مسلمین را احکام کفار می‌داند؛ به این دلیل که پس از انحلال خلافت در 1924 و منسوخ شدن احکام اسلام، قوانینی که به دست کافران وضع شده بود جای قوانین اسلام را گرفت. از آن پس اوضاع و احوال مسلمانان شبیه مغولان شد، همان طور که ابن کثیر در تفسیر آیه «أ فحکم الجاهلیة یمغون و من أحسن من الله حکما لقوم یوقنون»[122] بیان کرده است.[123] فرج هم چنین بر این نظر است که حاکمان عصر، باعث گسترش کفر و توسعه مصادیق آن هستند. کفری که فرج از آن می‌گوید کفری است که شخص را از دین اسلام خارج، و احکام خاصی را متوجه او می‌کند وی در ادامه، نظر مسلمانان را از زبان ابن تیمیه نقل می‌کند که «مسلمانان متفق‌اند بر کفر کسی که دینی غیر از اسلام و شریعتی غیر از شریعت محمدی را پیروی کند».[124] وی حکام را «مرتد»، و پرورش یافتگان استعمار معرفی می‌کند و به ذکر تفاوت‌های شخص کافر و مرتد می‌پردازد. تفاوت‌های مهم کافر و مرتد این است که اولاً مجازات مرتد از جهاتی سنگین‌تر از مجازات کافر است؛ دوم این که مرتد بر خلاف کافر ارث نمی‌برد و با او نمی‌توان ازدواج کرد و ذبیحه‌اش را نمی‌توان خورد، سوم، همان طور که ارتداد از اصل دین، بزرگ‌تر از کفر به اصل دین است. «ارتداد از شرایع الهی» نیز بزرگ‌تر از «کفر به شرایع الهی» است. فرج پس از اعلام ارتداد حکم و تبیین مجازات ایشان، به ذکر فتوای ابن تیمیه در باب جهاد با مغولان می‌پردازد: «گروهی که از شریعت اسلام خارج شود، به اجماع مسلمین جهاد با او واجب است».[125] بدین ترتیب فرج ابتدا حکام را به کفر و خروج از دین اسلام متهم می‌کند، آنگاه با فتوای ابن تیمیه، بر ضرورت و وجوب جهاد با ایشان تأکید می‌کند. 5. تأکید بر اصل جهاد. جهاد از دیگر مبانی بنیادین اندیشه سلفیان جدید است. جهاد می‌تواند آشکار یا پنهان، مسلحانه یا غیر مسلحانه به برپایی حکومت اسلامی کمک کند. جهاد از واژه‌هایی است که با «قیام»، «اقامه دولت اسلامی»، «دار الاسلام» و «دار الحرب» ارتباط تنگاتنگی دارد. سلفیان جدید جهاد را به هر شکل و با هر وسیله‌ای، جایز می‌دانند؛ به عبارت دیگر انجام هر کاری از طریق مجاری قانونی و رسمی، یا غیر رسمی و مخفیانه که باهدف مقابله با کفر، و ایجاد دولت اسلامی باشد، جهاد تلقی می‌شود.

صالح سریه در پی اعتقاد به کفر حکومت‌های فعلی جهان اسلام و جاهلیت جوامع اسلامی، به این سوال پاسخ می‌دهد که در صورت اثبات کفر حکومت‌های اسلامی و جاهلیت این جوامع، آیا همه افرادی که در این جوامع به زندگی و فعالیت مشغولند، کافرند یا نه؟ «قطعاً نه. کافران کسانی‌اند که این دولت‌ها را حق بدانند، و مؤمنان کسانی‌اند که برای تغییر و سرنگونی دولت‌های کافر و ایجاد حکومت اسلامی، پنهانی و آشکارا فعالیت کنند. مسلمانان در هر اداره دولتی که فعالیت می‌کنند، از طریق شرکت در انتخابات، ورود به مجلس یا وزارتخانه‌ها، می‌توانند به طور علنی برای ایجاد نظام اسلامی تلاش کنند».[126] وی «جهاد» را برای تغییر حکومت‌ها و اقامه دولت اسلامی، بر هر مرد و زن مسلمان، یک «واجب عینی» فرض می‌کند. "جهاد بر ضد کفر، از واجب‌ترین فرایض و بالاترین قله‌های عبادی اسلام است در صورت اشتغال سرزمین‌های اسلامی توسط استعمارگران، نبرد با حکام زور، واجب می‌شود، هر چند لشگر استعمارگران را مسلمانان تشکیل داده باشند. نکته مهم در این سخن صالح سریه این است که در جهاد برای آزاد سازی بلاد اسلامی از سلطه کفر، تفاوتی نمی‌کند که افراد تحت سلطه

کفر، از مسلمانان باشند یا از حامیان دولت کفر. به دیگر سخن، با مسلمانانی هم که در بلاد کفر زندگی می‌کنند، همانگونه رفتار می‌شود که با کافران حامی کفر. [127]

از جمله ویژگی‌هایی که شکری مصطفی برای حرکت اسلامی بر می‌شمارد، قطع تعاملات و روابط با دشمنان است. البته قبل از این بیان می‌کند که در فقه اسلامی، بابی درباره معاملات با کفار هست که برقراری روابط با کفار را در صورتی که منافعی داشته باشد لازم می‌داند. [128] وی نظرش را درباره قطع روابط با کفار اینگونه بیان می‌کند که «اصحاب حرکت اسلامی»، اگر حقیقتاً حرکتی اسلامی است، باید از داد و ستد با دشمنان بپرهیزند. همه روابط مجاز از جمله خرید و فروش، قرض و رهن، هدیه دادن و هدیه گرفتن، استخدام و سرمایه گذاری، کمک طلبیدن، برقراری پیمان، و یا دیگر روابط معین سزاوار است که بین مؤمنان و مجاهدان برقرار شود» [129] از دیدگاه شکری، دشمنان حرکت اسلامی از حیث فریبکاری و توانایی، سه دسته‌اند: اولین و مهم‌ترین دشمن جنبش اسلامی، دسته نفاق و منافقین‌اند، دوم دولت‌های صف کشیده و مسلح، و گروه سوم قوم یهود است. آنگاه در بیان شیوه‌های مقابله با منافقان می‌گوید:

باید در بحران‌ها، بر آنها سختگیری کرد، رازها را از ایشان پوشاند و آنها را از اماکن و فعالیت‌های حساس بر کنار کرد. باید ارتباطات و آمد و شدشان زیر نظر گرفته شود، و با درشت گویی و آزمون‌های سخت، آنها را امتحان کنیم. حتی در صورت لزوم، نبرد و کشتار ایشان گریزی نیست. همه اینها از امور مهم و واجبات جماعت المسلمین است. [130]

رساله الفریضة الغائبة، پر شورترین آرای جهادی ابن تیمیه و عبدالسلام فرج را در خود دارد. این رساله که با تأکید بر اهمیت جهاد، و نقل احادیثی با مضمون فتح و پیروزی اسلام آغاز می‌شود، سعی دارد مؤمنان را به بازگشتن اسلام در عصر کنونی، بشارت دهد و آنان را از نا امیدی برهاند، فرج معترف است که با وجود تأکیدات فراوان قرآن بر «اقامه دولت اسلامی». اجرای این تکلیف الهی به فراموشی سپرده شده است. و از آنجا که اجرای احکام الهی بر مسلمانان واجب است، اقامه دولت اسلامی نیز امری واجب خواهد بود. پس اگر اقامه دولت اسلامی راهی جز جهاد و قتال نداشته باشد، جهاد بر مسلمین واجب می‌شود. [131] وی مردن در عصر انحلال خلافت را مرگی جاهلی تعبیر می‌کند: «مسلمین بر اقامه خلافت اسلامی اجماع کرده‌اند و اعلان خلافت متکی بر وجود دولت اسلامی است؛ هر کس بمیرد و بر گردنش بیعت خلافت نباشد، به مرگ جاهلیت مرده است» [132]. فرج، باوجود این که بحث هجرت از «دارالکفر به دارالایمان» را طرح می‌کند ولی هم چنان از نظریه خودش، یعنی جهاد، به عنوان یک راه سریع و صحیح و شرعی دفاع می‌کند. وی اندیشه هجرت از دیاری به دیار دیگر را برای برپایی دولت اسلامی برگرفته از هجرت پیامبر می‌داند و می‌گوید تنها راه صحیح و شرعی اقامه دولت اسلامی، همان است که خداوند می‌فرماید: [133] «کتب علیکم القتال و هو کره لکم و عسی أن تکرهوها شیئا و هو خیر لکم و عسی أن تحبوا شیئا و هو شر لکم و الله یعلم و أنتم لا تعلمون». [134] «و قاتلو هم حتی لا تكون فتنة و یکون الدین کله لله فان انتهوا فان الله بما یعملون بصیر». [135] فرج با این نظر که «جهاد در اسلام فقط برای دفاع است». سخت مخالفت می‌کند. [136] او با اعتقاد به اندیشه پیروی از الگوی «جامعه مکی» نیز مخالف است. زیرا برخی با پیروی از این اندیشه، در صدد فراهم شدن فرصتی هستند تا از جهاد فرار کنند. وی در پاسخ به این افراد می‌گوید: " اگر معتقدید که ما اکنون در جامعه مکی زندگی می‌کنیم و تکلیف جهاد بر ما واجب نیست، پس نماز و روزه را هم ترک کنید و از ربا خوردن امتناع نکنید، چه ربا خوردن، در مدینه و پس از هجرت پیامبر حرام شد. [137] عبدالسلام هیچ حجتی را برای ترک

جهاد، موجه نمی‌شمارد. با ترک جهاد و یا به تأخیر انداختن آن به دلیل نبود رهبر و خلیفه اسلامی مخالفت می‌کند و قائلان این نظریه را از ضایع کنندگان و ترک کنندگان امر جهاد معرفی می‌کند.

سلفیان جدید از سوی مسلمانان و غیر مسلمانان مورد انتقاد قرار گرفته‌اند. انتقادهای غیر مسلمان بیشتر ناظر به جنبه‌های سیاسی و عملی است و پرداختن به آنها از دایره بحث این مقاله خارج است. اما انتقادهای مسلمانان فهم سلفیان تکفیری از آن قرآن و سنت است و هم برداشت‌های آنان از احکام شریعت و تاریخ مسلمانان. زندگینامه‌های آنان نشان می‌دهد که با هیچ کدام از رهبران این گروه‌ها اسلام شناس نبودند و تاریخ را آنگونه که در رؤیای خویش دیده‌اند، تصویر کرده‌اند و نه آن گونه که واقعیت دارد. از جمله آثار مهم انتقادی درباره سلفیه باید به السلفية مرحلة زمينة مباركة لا مذهب اسلامي، اثر رمضان البوطی، و الحقيقة الغائبة فرج فوده اشاره کرد. آرای البوطی را در جای دیگر کاویده‌ایم. [138] فرج فوده، الحقيقة الغائبة را در ردّ آرای جهادی عبدالسلام فرج در الفریضة الغائبة نوشت و جان خود را هم بر سر این نقد گذاشت. فرج فوده در مقدمه رساله می‌گوید، مرادش از «حقیقت پنهان مانده» نبوده عقل منطق و اجتهاد، در اندیشه سلفیه جدید است. [139] از اعتقاد به ضرورت جهاد با نیزه و شمشیر و اسب و دوری از علوم جدید می‌توان به خامی و بی‌عقلی آنان پی برد. فرج برای نقد افکار سلفی، دیدگاهی تاریخی- اجتماعی و در عین حال دینی دارد و می‌کوشد این اندیشه سلفیان را که مدعی‌اند «اجرای فوری شریعت، مصلحت امروز جامعه و راه حل فوری مشکلات آن است»، رد کند. [140]

نتیجه

اکنون که با برخی از مهم‌ترین عقاید و مبانی نظری سلفیان جدید، از درون میثاق‌نامه‌های تشکیلاتی آنان آشنا شدیم، می‌توان قاطعانه گفت انتساب سلفیان جدید به لقب «تکفیری» امری موهوم نیست. نظرات مشابه صالح سریه و عبدالسلام فرج در باب ارتداد همه حاکمان مسلمان و تکفیر سازمان‌های کشورهای اسلامی، یا جاهل انگاشتن همه جوامع اسلامی، می‌تواند مهر تأییدی بر این نام‌گذاری باشد. احکامی نظیر تکفیر همه مجریان و تهیه کنندگان قوانین دولتی، تکفیر احزاب نو و مکاتب فلسفی، اعتقاد به وجوب جهاد بر مسلمین برای اقامه دولت اسلامی، همه از مواردی است که تمایز سلفیان جدید را از قاطبه مسلمانان به وضوح نشان می‌دهد.

سلفیان، به غایت ظاهرگرا و مخالف با تأویل‌اند و در عین حال در مواجهه با منابع اسلامی رفتاری گزینشی دارند. آنان در پی «کشف حقیقت» نبودند بلکه درصدد ایجاد «حرکت» و «هویت» جدید بودند و اسلام، ابزاری برای رسیدن به هدف بود؛ زیرا ایجاد حرکت و هویت‌های جدید به سخنان احساسی، خام و جذاب به ویژه برای جوانان نیاز دارد و این ویژگی‌ها در میثاق‌نامه‌ها و دفاعیات آنان فراوان به چشم می‌خورد. اما لازمه حقیقت جویی احتیاط، تعقل، احترام به تجارب دیگران و مطالعه همه جوانب پدیده‌های اجتماعی است. آنان با اهتمام ویژه به توسعه معنایی و مصداقی شرک و کفر، جهاد و با احیای اصطلاحاتی نظیر «دار الحرب» و «دار الاسلام» که مربوط به دوره‌های تاریخی مشخصی‌اند، در پی ایجاد تشکیلات سیاسی و بنای یک ایدئولوژی، به معنای مارکسیستی، کلمه بودند. همه ایدئولوژی‌ها به این معنا مجموعه‌های اعتقادی بسته بندی شده‌اند که راه نقد و بررسی را بر خود بسته‌اند و صرفاً تفسیر تشکیلاتی و گروهی خود را از تاریخ، حقیقت و دین، واقعی و درست می‌پندارند.

پاورقی

- [1]. تاریخ وصول: 89/8/15؛ تاریخ تصویب: 1390/11/25.
- [2]. نویسنده مسئول، پست الکترونیک: saeid.edalatnejad@gmail.com
- [3]. نک: ابوزهره، 311.
- [4]. نک: حسن، 498. برای آگاهی از اوضاع سیاسی و شورش‌های دوران مأمون نک: طقوش، 157-150.
- [5]. نک: مکی، 360-339.
- [6]. نک: طقوش، 159-157.
- [7]. درباره زندگانی، احوال و آثار ابن تیمیه بنگرید به: محمد بن ابراهیم الشیبانی، اوراق مجموعه من حياة شيخ الاسلام ابن تیمیه، کویت، مکتبه ابن تیمیه، 1409 ق - 1989 م؛ عبدالرحمن الشرقاوی، الفقیه المعذب ابن تیمیه، {قاهره}، دار اخبار اليوم، (1995 م). نیز برای آگاهی از زندگانی، احوال و آثار ابن قیم بنگرید به: عبدالعظیم عبدالسلام شرف الدین، ابن قیم الجوزیه، عصره و منهجه و آراؤه فی الفقه و العقائد و التصوف، قاهره، مکتبه الکلیات الازهریه، 1387 ق-1967 م؛ جمال بن محمد السید، ابن قیم الجوزیه و جهوده فی خدمة السنة النبویه، مدینه جامعه السلامیه، 1424 ق-2004 م.
- [8]. نک: علیخانی و همکاران، 20-19/1.
- [9]. نک: شبارو، 16-13.
- [10]. نک: زیاده، 145-88.
- [11]. همو، 171.
- [12]. همو، 186-180.
- [13]. نک: لائوس، 40-38.
- [14]. نک: ابوزهره، 311.
- [15]. این موضوع را می‌توان از کتاب‌هایی که با این نام تألیف شده، دریافت. نظیر: مختصر لوامع الانوار البهیة و سواطع سواطع الاسرار الاثریه، فی شرح الدرّة المضية فی عقیده الفرقة المرضیه، محمد بن علی بن سلوم؛ الابانة عن شریعة الفرقة الناجیه و مجانية الفرق المذمومة، ابی عبدالله بن محمد ابن بطة العکبری الحنبلی، اعلام السنة المنشورة لاعتقاد الطائفة الناجیه المنصورة، حافظ بن احمد حکمی؛ التبصیر فی الدین و تمييز الفرقة الناجیه عن الفرق الهالکین، ابی مظفر اسفراینی.
- [16]. برای آگاهی از اوضاع امپراتوری عثمانی نک: هامر پورگشتال، تاریخ امپراتوری عثمانی ترجمه میرزا زکی علی‌آبادی، به اهتمام جمشید کیانفر، (بی‌جا)، زرین، 1369؛ همچنین نک: اسماعیل احمد یاغی، دولت عثمانی از اقتدار تا انحلال، مترجم رسول جعفریان، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، 1382.
- [17]. نک: خلیل اینالچق، امپراتوری عثمانی: عصر متقدم 1300 تا 1600، ص 15. برای اطلاع از عوامل سقوط و شکست عثمانیان نک: استانفورد جی. شاوف ازل کورال شاو، تاریخ امپراتوری عثمانی و ترکیه جدید، مترجم محمود رمضان زاده، مشهد، معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی، 1370، ج 1، و 2؛ افول اقتدار عثمانیان، (به کوشش زکریا طرزمی)، مترجم اصغر دلبری‌پور، (تهران)، موسسه فرهنگی هنری ضریح، 1377.
- [18]. برای اطلاع از روند اصلاحات در امپراتوری عثمانی نک:
- The encyclopaedia of islam (new edition), s.v."tansimat", by r.h. Davison, 2000, vol.10:201-209

- [19]. از آن جمله است پیمان «سیتو اتوروک» در 1606م، پیمان «کارلویتس» در 1699، پیمان «آدریاناپل» در 1829، و پیمان «برلین» در 1878 که مناطق گسترده‌ای از امپراطوری را از قلمرو آن جدا کرد.
- [20]. نک: ووسینیچ، 85-95.
- [21]. نک: حتی، 900.
- [22]. نک: ناصری طاهری، 13-15.
- [23]. نک: تکیه‌ای 17-18.
- [24]. آشفتگی اوضاع حکومت ملک فاروق مربوط می‌شود به جنگ 1948 بین مصر و اسرائیل که منجر به شکست مصر، تصرف مناطق زیادی از خاک مصر و لبنان، اشغال غرب فلسطین (نوار غزه) و از بین رفتن جایگاه مردمی فاروق شد.
- [25]. برای مطالعه بیشتر درباره شرح حال و اندیشه‌های عبدالناصر، و اوضاع مصر در زمان وی نک: محمد حسن سلطانی فرد و حسین عزیزاده، "دانشنامه جهان اسلام، ج 1385، ج 649/10-654.
- [26]. نک: تکیه‌ای، 60-61.
- [27]. برای آگاهی از شرح حال محمد علی و اصلاحاتش در مصر نک: علی جواهر کلام، تاریخ مصر و خاندان محمد علی بزرگ، [بی‌جا]، [بی‌تا و بی‌نا].
- [28]. برای این دوره از تاریخ اندیشه‌ها در مصر نک: حمید عنایت، سیری در اندیشه سیاسی عرب، تهران، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، 1356، 56-71، 235-286. مقاله حاضر درصدد مطالعه ادامه خطی است که مرحوم عنایت آغاز گر آن بود. برای مطالعه فعالیت‌ها و اندیشه‌های رشید رضا، حسن البنا، محمد عبده و سید قطب نک به: اندیشه‌های سیاسی در جهان اسلام از فروپاشی خلافت عثمانی، علی اکبر علیخانی و همکاران، تهران: جهاد دانشگاهی، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی، 1384؛ نیز بنگرید به مدخل‌های زیر: The Encyclopaedia of Islam (new edition), s.v "Rashid Rida" by W. Ende, vol8: 446-448; ibid, s.v "Al banna". By. J.M.B. Jones, Vol 1: 1018-1019; The Oxford Muhammad" by Kenneth Cragg 1995, vol 1: 11-12.
- [29]. بناء، اخوان المسلمین را به عنوان «دعوتی سلفی، طریقتی سنی، حقیقتی صوفیانه، سازمانی سیاسی، گروهی ورزشی، حلقه‌ای علمی فرهنگی، شرکت اقتصادی و اندیشه‌های اجتماعی» توصیف می‌کند. به نقل از حسن یوسفی اشکوری، "اخوان المسلمین"، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، 273/7.
- [30]. برای مطالعه بیشتر درباره اخوان المسلمین نک: اسحاق موسی الحسینی، اخوان المسلمین: بزرگترین جنبش اسلامی معاصر، ترجمه سید هادی خسرو شاهی، تهران، اطلاعات 1387؛ نیز
- The Encyclopaedia of Islam (new edition), s.v "Al- Ikhwan Al- Muslimun" by G. Delanoue. Vol 3: 1068 – 1071.
- [31]. گروه‌های رفض اسلامی، اصطلاحی است که در متون عربی برای اشاره به گروه‌های احیای اسلامی استفاده می‌شود. به عبارت دیگر جنبش‌هایی را که برای احیای اسلام، به خشونت، اعتراض و انجام عملیات مسلحانه مبادرت می‌ورزند، گروه‌های «رفض یا طرد» اسلامی می‌خوانند. به همین دلیل می‌توان این اصطلاح را، با اصطلاح گروه‌های «جهادی یا تکفیری»، مترادف دانست.

- [32]. نک: ضحی الخطیب، 150.
- [33]. نک: النبی المسلح (2): الثائرون، [جمعه و قدم علیه سید احمد رفعت]، لندن، ریاض الریس للکتب و النشر، 1991، 80. برای آگاهی از احزاب و جنبش‌های سیاسی مذهبی معاصر اخوان المسلمین نک: کدوری و دیگران، احزاب در کشورهای اسلامی، تهران، بنیاد دایرة المعارف اسلامی، 1366؛ برای آگاهی درباره جنبش‌های اسلامی معاصر و به ویژه گروه‌های سلفی نک: هرایر دکمچیان، اسلام، اسلام در انقلاب: جنبش‌های اسلامی معاصر در جهان عرب (بررسی پدیده بنیاد گرایی اسلامی)، مترجم حمید احمدی، تهران، کیهان، 1383؛ ژیل کپل، پیامبر و فرعون (جنبش‌های نوین اسلامی در مصر)، ترجمه حمید احمدی، [تهران]، کیهان، 1366.
- [34]. شکری، دشمن خارجی (اسرائیل) را همانند دشمن داخلی، که همان جامعه مصر است، کافر می‌داند. او بر ضرورت هجرت از مصر، جهاد و دفاع هجومی تأکید می‌کند و مسلمانان جوامع دیگر را طبق اصول شش گانه‌ای تکفیر می‌کند. در این زمینه نک به: ضحی الخطیب، ضوابط تکفیر بین الأمس و الیوم، بإشراف د. رضوان السید و د. هشام نشابة، بیروت، دار البراق، 428ق/ 2007م، 178-179.
- [35]. نک: ضحی الخطیب، 177-179.
- [36]. نک: النبی المسلح(2): الثائرون، 81-82.
- [37]. همان، 77-78.
- [38]. همان، 83-85.
- [39]. حوادث 1954 و 1965 را باید خشونت در دوران ناصری دانست. در پی انعقاد موافقتنامه بین رژیم ناصر و دولت بریتانیا در 1954 بر سر کانال سوئز، اخوان المسلمین که با این توافق مخالف بود، به سوء قصد بر ضد ناصر اقدام کرد. این حادثه، اخوان را تحت فشار گذاشت و به دستگیری بیش از 4000 نفر از اعضای آن انجامید؛ در سال 1965 نیز دستگیری‌های گسترده‌ای بر ضد اخوان انجام شد و برخی از اعضای با نفوذ آن، نظیر سید قطب اعدام شدند.
- [40]. از جمله حوادث مهم دهه هفتاد، باید به حادثه سازمان نظامی تکنیکی در 1974، و وقوع تظاهرات خشونت آمیز 18 و 19 ژانویه 1977 در قاهره و اسکندریه و ترور انور سادات در 1981 اشاره کرد. برای مطالعه بیشتر نک: هاله مصطفی، استراتژی دولت مصر در رویارویی با جنبش‌های اسلامی (از ناصر تا سادات)، مترجم موسسه مطالعات اندیشه سازان نور، تهران، اندیشه سازان نور، 1382.
- [41]. نک به: النبی المسلح (1): الرافضون، [جمعه و قدم علیه سید احمد رفعت]، لندن ریاض الریس للکتب و النشر، 1991، 21-25. برای مطالعه بیشتر درباره اوضاع مذهبی، سیاسی و اجتماعی مصر، نک به: جمیله کدیور، مصر از زاویه‌ای دیگر، [تهران]، انتشارات اطلاعات، 1373 ش؛ نیز نک: نبیل عبدالفتاح، تقرير الحالة الدينية فی مصر، [قاهره]، مرکز الدراسات السياسية و الاستراتيجية بالأهرام، 1995.
- [42]. اولین چاپ کتاب النبی المسلح، توسط انتشارات ریاض الریس للکتب و النشر، در لندن و در سال 1991م منتشر شده است. داشتن این کتاب‌ها در مصر جرم است و مجازات سنگینی دارد.
- [43]. نک: النبی المسلح (1): ارافضون، 114-117.
- [44]. نک: النبی المسلح (2): الثائرون، 217.
- [45]. همان، 218-238.

- [46]. نک به: النبی المسلح (2): الثائرون، 220.
- [47]. وثیقه رساله الایمان، منشور اعتقادی تنظیم الفنیة العسكرية است. این وثیقه در واقع اعتقاد نامه و خط مشی فکری سیاسی سازمان می‌باشد که در 1973 توسط رهبر گروه، صالح سریه صادر شد.
- [48]. نک: النبی المسلح (1): الرافضون، 32.
- [49]. همان، 35.
- [50]. همان، 36.
- [51]. همانجا.
- [52]. نک به: النبی المسلح (2): الثائرون، 129-131.
- [53]. همان، 130.
- [54]. همانجا.
- [55]. نک به: النبی المسلح (1): الرافضون، 129-141.
- [56]. همان، 130-131.
- [57]. همان، 32.
- [58]. همان، 34.
- [59]. همان، 36.
- [60]. همان، 37.
- [61]. همانجا.
- [62]. وثیقة الخلافة، در سال 1977م صادر شده است.
- [63]. نک: النبی المسلح (2): الثائرون، 115-116.
- [64]. سوره ص، آیه 27: و آسمان و زمین و آنچه را که میان این دو است به باطل نیافریدیم. این گمان کسانی است که کافر شدند، پس وای بر کافران از آتش!
- [65]. سوره دخان، آیه 39: ما آنها را جز به حق نیافریدیم، ولی بیشترشان نمی‌دانند.
- [66]. سوره یوسف، آیه 100: این تعبیر خوابی است که قبلا دیده بودم و اینک پروردگارم آن را راست گردانید.
- [67]. سوره یونس، آیه 55: بدانید که وعده خدا حق است.
- [68]. سوره یونس، آیه 33: این گونه سخن پروردگارت درباره‌ی کسانی که نافرمانی [و لجajt] کردند به حقیقت پیوست که آنها ایمان نخواهند آورد.
- [69]. نک: النبی المسلح (2): الثائرون، 116.
- [70]. همان، 131.
- [71]. سوره جمعه، آیه 2: اوست آن که در میان امی‌ها پیامبری از خودشان برانگیخت که آیات او را بر آنها می‌خواند و پاکشان می‌سازند و کتاب و حکمتشان می‌آموزد، حقا که از پیش در ضلالت آشکاری بودند.
- [72]. نک: النبی المسلح (2): الثائرون، 122؛ (ان هذه الأمة الأمية و التي إمامها النبی الأمی هی خير أمة أخرجت للناس ينص القرآن الکريم.... «و على الذين يريدون أن يؤولوا لفظة الأمية لغير المعنى الظاهر منها. إنا أمة أمية... لا نكتب و لا نحسب» فشرح لفظ الأمية... بعدم الكتابه و الحساب... و كما جاء في القاموس المحيط: الأمی من لا يكتب أو من على خلقه الأمية لم يتعلم الكتاب و هو اباق على جبلته).
- [73]. نک: النبی المسلح (1): الرافضون، 38.

- [74] . همان، 36.
- [75] . همان، 37.
- [76] . نک: النبى المسلح(2):الثائرون، 123.
- [77] . همان، 124.
- [78] . همان، 120.
- [79] . همان، 124.
- [80] . قال رسول الله(ص): فيقتتلون حتى يحجز بينهم الليل فيفىء هؤلاء و هؤلاء كل غير غالب. و هكذا ثلاث ليال. فاذا كل اليوم الرابع نهز اليهم بغيه اهل الاسلام فيجعل الله الدبره عليهم.
- [81] . نک: النبى المسلح(1): الرافضون، 130.
- [82] . نک: النبى المسلح(1): الرافضون، 135.
- [83] . سوره توبه، آيه 14: قاتلوهم يعذبهم الله بأيديكم و يحزهم و ينصرکم عليهم و یشف صدور قوم مومنین: با آنها جنگید تا خدا به دست شما عذابشان کند و خواریشان سازد و شما را بر آنها نصرت دهد و دل‌های مومنان را آرام بخشد.
- [84] . نک: النبى المسلح(1): الرافضون، 135.
- [85] . همان، 42.
- [86] . همانجا.
- [87] . نک: همان، 42، 43، 44.
- [88] . همان، 46.
- [89] . همان، 39.
- [90] . همان، 43.
- [91] . همان، 44.
- [92] . همان، 44.
- [93] . همان، 31.
- [94] . همان، 32.
- [95] . خداوند در سوره زمر، آیه 3 می‌فرماید: آگاه باش که عبادت و دین خالص برای خداست، و کسانی که جز خدا سرپرستانی گرفته‌اند [می‌گویند:] ما آنها را عبادت نمی‌کنیم جز برای این که ما را به خدا نزدیک کنند (... ليقربونا إلى الله زلفى...).
- [96] . نک: النبى المسلح (1): الرافضون، 33.
- [97] . همان، 39-41.
- [98] . سوره نساء، آیه 65: پس نه، پروردگارت سوگند، ایمان نمی‌آورند مگر این که در اختلافی که دارند تو را داور کنند و آنگاه در دلشان از حکمی که کرده‌ای ملالی نیابند و بی چون و چرا تسلیم شوند.
- [99] . سوره احزاب، آیه 36: و هیچ مرد و زن مومنی را نرسد که چون خدا و رسولش به کاری حکم دهند، برای آنها در کارشان اختیاری باشد، و هر کس خدا و رسولش را نافرمانی کند، قطعاً دچار گمراهی آشکاری گردیده است.
- [100] . سوره مائده، آیه 44: و هر که به موجب آیات الهی حکم نکند، آنها واقعا کافرنند.
- [101] . سوره مائده، آیه 45: و هر که مطابق آیات الهی داورى نکند، آنها حقا ستمگرند.
- [102] . سوره مائده، آیه 47: و هر که مطابق آیات الهی حکم نکند، آنها قطعاً از اطاعت خدا

بیرون رفته‌اند.

- [103] . نک: النبی المسلح (1): الرافضون، 39.
- [104] . همان، 42 همه مثال‌ها از سربیه است.
- [105] . همان، 43.
- [106] . همان، 44.
- [107] . همانجا.
- [108] . همانجا.
- [109] . همانجا.
- [110] . همان، 45.
- [111] . همانجا.
- [112] . همان، 46.
- [113] . همانجا.
- [114] . همانجا.
- [115] . همان، 49.
- [116] . شکرى مصطفى از میان همه مساجد، جهان، نماز خواندن را فقط در چهار مسجد جایز می‌داند. همه مساجد به غیر از مسجد الحرام، مسجد الاقصی، مسجد قبا و مسجد نبوی، «مسجد ضرار» هستند و اقامه نماز در آنها حرام است. به نقل از ضحی الخطیب، ضوابط التکفیر بین الامس و الیوم، 178.
- [117] . نک: النبی المسلح (2): الثائرون، 119.
- [118] . همان، 120-121.
- [119] . همان، 121.
- [120] . همان، 122.
- [121] . سوره بقره، آیه 212: زندگی دنیا برای کافران زینت یافته و [لذ] مؤمنان را مسخره می‌کنند، و کسانی که تقوا پیشه کردند روز رستخیز فوق آنها هستند.
- [122] . سوره مائده، آیه 50: آیا آنها خواهان حکم جاهلیت‌اند؟ و برای قومی که یقین دارند، حکم چه کسی از حکم خدا بهتر است؟
- [123] . نک: النبی المسلح (1): الرافضون، 129.
- [124] . همان، 129-130.
- [125] . همان، 130.
- [126] . نک: النبی المسلح (1): الرافضون، 41-42.
- [127] . همان، 42.
- [128] . نک: النبی المسلح (2): الثائرون، 132.
- [129] . همان، 133.
- [130] . همان، 138.
- [131] . نک: النبی المسلح (1): الرافضون، 128.
- [132] . همانجا.
- [133] . هما، 134-135.
- [134] . سوره بقره، آیه 216: جهاد بر شما مقرر شد و آن برای شما ناگوار است و چیزی را ناخوش داشته باشد که آن به سود شماست و بسا چیزی را دوست داشته باشید که به زبان

- شماست، و خدا می‌داند و شما نمی‌دانید.
- [135]. سوره انفال، آیه 39: و با آنها بجنگید تا دیگر فتنه‌ای نباشد و دین یکسره از آن خدا گردد. پس اگر [از کفر] باز ایستادند، بی‌تردید خداوند به آنچه انجام می‌دهند بیناست.
- [136]. نک: النبی المصلح (1): الرافضون، 136.
- [137]. همان، 138.
- [138]. نک: سید حسین نظام الدینی، مبانی کلامی سلفیان تکفیری، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، 1389، فصل چهارم.
- [139]. نک: [فرج فوده]، الحقيقة الغائبة، الاعداد: يوسف عبدلکی، قاهره، دارالفکر للدراسات و النشر و التوزیع، 1988م، ص 11.
- [140]. همو، 12، برای آگاهی از دلایل فرج فوده در ابطال سخنان داعیان اجرای فوری شریعت، بنگرید به همان منبع ص 13 - 32

منبع:

ابوزهره، محمد، تاریخ مذاهب اسلامی، مترجم علیرضا ایمانی، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، 1384 ش. اینالجب، خلیل، امپراتوری عثمانی: عصر متقدم 1300 تا 1600، ترجمه کیومرث قرقلو، تهران، بصیرت، 1388 ش. تکیه‌ای سید مهدی، مصر، تهران، وزارت امور خارجه، موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، 1375 ش. حتی، فیلیپ خوری، تاریخ عرب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، انتشارات آگاه، 1366 ش. حسن، حسن ابراهیم، تاریخ سیاسی اسلام، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، بدرقه جاویدان، 1385 ش. الحقيقة الغائبة، [فرج فوده]، الاعداد، يوسف عبدلکی، قاهره، دارالفکر للدراسات و النشر و التوزیع، 1988م. الخطیب، ضحی، ضوابط التکفیر بین الأمس و الیوم، بإشراف د. رضوان السید و د. هشام نشابة، بیروت، دار البراق، 1428 ق - 2007م. شباور، عصام محمد، دولت ممالیک و نقش سیاسی و تمدنی آنان در تاریخ اسلام، ترجمه شهلا بختیاری قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، 1380. زیاده، نیکلا، دمشق در عصر ممالیک، ترجمه جلال الدین اعلم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1351. طقوش، محمد سهیل، دولت عباسیان، ترجمه حجت الله جودکی، با اضافاتی از رسول جعفریان، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، 1383. علیخانی، علی اکبر و همکاران، اندیشه سیاسی در جهان اسلام از فروپاشی خلافت عثمانی، تهران، جهاد دانشگاهی، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی، 1384. حمید عنایت، سیری در اندیشه سیاسی عرب، تهران، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، 1356. لائوس، هنری، شرایع الاسلام فی منهج ابن تیمیة، ترجمه و تعلیق و اعداد محمد عبدالعظیم علی، الاسکندریة، دارالدعوة، 1417 ق - 1997م. مکی، محمد کاظم، تمدن اسلامی در عصر عباسیان، ترجمه محمد سپهری، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، 1383. ناصری طاهری، عبدالله، مقدمه‌ای بر: تاریخ سیاسی اجتماعی شمال آفریقا از آغاز اسلام تا ظهور عثمانی‌ها، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، 1375. النبی المصلح (1): الرافضون، [جمعه و دقم علیه سید احمد رفعت]، لندن، ریاض الریس للکتب و النشر، 1991. النبی المصلح (2): الثائرون، [جمعه و دقم علیه سید احمد رفعت]، لندن، ریاض الریس للکتب و النشر، 1991. هولت، پی. ام، و لمبتون، ان ک. س، و لویس، برنارد، تاریخ اسلام کمبریج، ترجمه تیمور قادری، تهران، مهتاب، 1378. نبیل عبدالفتاح (رئیس التحریر)، تقرير الحالة الدينية في مصر، قاهره، مرکز الدراسات السياسية و الاستراتيجية بالأهرام، 1995. ووسینیچ، وین، تاریخ امپراتوری عثمانی، ترجمه سهیل آذری، تبریز، کتابفروشی تهران با همکاری مؤسسه انتشارات فرانکلین، 1346. یوسفی اشکوری، حسن

